



زن به معراج رود از دامن مرد

اشاره:

با یکی از اعضای هیئت علمی دفتر مطالعات زنان در قم؛ خانم سمیه حاجی اسماعیلی، مدرس جوان جامعه الزهرا و لیسانسیه‌ی امور تربیتی؛ طی یک گفت‌وگو به برخی شبهات و این‌که در حال حاضر چقدر وجود شبهات مختص دختران، جدی و خطرناک‌ست، اشاره کرده‌ایم.

فعالیت اجتماعی برای زن را به ارمغان آورد و این همان امتیازی است که به زن داده شده است.

اقداماتی نظیر تک‌جنسیتی کردن دانشگاه‌ها یا جامعه دوجنسیتی، راه حل حساب می‌شود؟

طبیعتاً اقدامات این‌چنینی، می‌تواند مؤثر واقع شود. در برخی از جوامع غربی هم به این نتیجه رسیده‌اند که در مدارس اگر این الگو پیاده شود، بهتر است. البته طبیعی است که در جامعه امروزی نمی‌توان بدون توجه به جنبه‌های دیگر و اصلاح سیستم و موارد دیگر بگوییم تنها راه‌حل همین است. اما به هر حال همان‌طور که قبلاً ذکر کردم، اگر گریزی از اختلاط نباشد، با رعایت ضوابط

این‌ست که جامعه‌ی دوجنسیتی داشته باشیم. جامعه‌ای که اختلاط در آن وجود نداشته باشد و اگر بنا به اقتضا و ضروریات در برخی فعالیت‌ها نمی‌شود از ارتباط و اختلاط جلوگیری کرد، باید حدفاصله‌ای را که دین گذاشته است، رعایت گردد. با مراقبت شئون اسلامی و حجاب اسلامی، می‌تواند فعالیت داشته باشد.

پس شما طرفدار تک‌جنسیتی شدن دانشگاه‌ها هستید؟

بله؛ این حالت بهتر است. به هر حال حد و مرزی را که دین گذاشته‌ست باید رعایت شود. اگر این‌طور نبود، حکم حجاب، مسئله‌بی‌خودی می‌شد. اصل حکم حجاب برای همین آمده‌ست که امر مشارکت و

ابتدا یادی کنیم از حدیث زیبای حضرت زهرا (س) که بهترین خواسته برای یک‌زن را «ای شیء خیر للمراه قالت أن لا تری رجلا و لا یراها رجل فضمها الیه» دانسته بودند. به نظر شما طبق اقتضای امروزه، چگونه می‌شود این گفته را رعایت کرد؟ اصلاً شدنی‌ست؟

اگر به کلمه «خیر» که در این حدیث به کار رفته است، دقت کنید، بیانگر آنست که «بهترین چیز» برای یک زن اینست که مردی او را و او هم مردی را نبیند. نگفته‌اند حتماً یا باید. طبیعتاً کلمه «خیر» دلالت بر وجوب نمی‌کند و حضرت در این نکته سعی داشته‌اند الگوی حداکثری و آرمانی را برای زن بیان کنند، ولی با توجه به اقتضای امروز می‌شود گفت بهترین حالتش

و پوشش مناسب، زن می‌تواند مشارکت و فعالیت اجتماعی داشته باشد و این رعایت ضوابط و پوشش مناسب، چیزی است که در اکثر دانشگاه‌های کشورهای مختلف لازم الاجراست و آن دانشگاه‌ها براساس نوع پرورش‌های محیطی و ایمنی و آرامش روحی و روانی متناسب با پیشرفت‌کار، پایبندی به ضوابط خاص پوشش را الزامی می‌دانند.

به نظر شما چرا در شب معراج، شمار زیادی از عذاب‌شدگانی که پیامبر دیده بودند را زنان و دختران تشکیل می‌دادند؟

دو نکته را اینجا باید اشاره کنم. اولاً همان طور که می‌دانید این‌طور گفته نشده است که فقط زن‌ها در زمره عذاب‌شدگان بودند. در تفصیل آن شب، در مورد گناه مردان هم اشاره شده بود. نکته مهم بعدی اینست که در این سخنان به زن نگاه مجرمانه‌ای نشده است و نگاه جنسیتی نبوده است؛ لیکن بعضی گناهان را صنف خاصی از افراد مرتکب می‌شوند. مثلاً از خانم‌ها در مورد گناهان مالی یا ربا کمتر شنیدیم. مضاف به اینکه یکسری گناهان در زمان پیامبر رایج بوده‌ست و مردم در معرضش بودند، من جمله زنا. پیامبر هم به عنوان مقام رسالت و اندازی که بر دوش داشتند، باید در جهت آگاه‌سازی افراد قومشان از شب‌معراج، ارمانی می‌آوردند که بیشتر گناهان حول عفت و حواشی‌اش می‌گنجد. اینجا اهمیت بحث حجاب و عفاف را می‌رساند، نه اینکه نگاهمان صرفاً به زن به عنوان گناهکار بوده باشد.

اصلاً چرا بیشتر گناهان را حول عفت می‌دانید؟

چون عفت جنبه‌ی زیربنایی دارد. اگر این بحث اصلاح شود، جامعه اصلاح می‌گردد. برخی گناهان جنبه فردی دارد و برخی اجتماعی. ما پاسخگوی گناهان فردی می‌توانیم باشیم، اما در مورد عفت این‌طور نیست. نمی‌شود گفت عفت یک گناه فردی‌ست، عرصه‌اش به اجتماع برمی‌گردد و زیربنایی‌ست. اگر عفت نباشد، خانواده‌ها متزلزل می‌شود.

اما عفت مرد و زن نمی‌شناسد. در حالی که گناه‌کارانی را که در شب‌معراج ناشی از بی‌عفتی عذاب می‌شدند، زنان تشکیل می‌دادند.

حرف شما را قبول دارم. عفت فقط به زن‌ها مربوط نمی‌شود. مردها هم به داشتن عفت تأکید شدند، اما تأکید بیشتر عفت برای زنان ناشی از حمایت بیشتر اسلام از زنان‌ست. توجه اسلام به زن را می‌رساند. قبول کنیم که در این قسمت زنان بیشتر از مردان آسیب‌پذیر هستند. زنان بیشتر متضرر می‌شوند.

چه ضرری؟ علاوه بر این، نظر شما درباره این که برخی دختران جوان ادعا می‌کنند که حجاب مانع ازدواجشان است، چون مردان به زیبایی آنها پی نمی‌برند، چیست؟

منظور این‌ست که تأکید بیشتر اسلام در بحث عفاف بر زنان به خاطر نوع فیزیولوژی متفاوت زنان نسبت به مردان است. یعنی فیزیولوژی زن به گونه‌ای محرک و جذاب است و باید تدبیری برای حفاظت زن از این مسئله اندیشیده شود که آن تدبیر، بحث حجاب است. به تعبیر دیگر براساس این که زن، ریحانه است، نیاز به مراقبت شدید دارد؛ زیرا به طور طبیعی، جاذبه‌ای بیش از مرد دارد و حجاب، نگاهبان این‌موجود

لطیف است.

اما این که می‌فرمایید برخی ادعا می‌کنند که حجاب مانع ازدواج است، این‌طور نیست؛ چون اولاً حجاب، خودش متانت و وقار خاصی برای زن ایجاد می‌کند که خود همین وقار و متانت می‌تواند یکی از معیارهای مهم در ازدواج باشد.

علاوه بر این که اسلام دقیقاً به این علت، پوشش را برای زن قرار داده‌است که به زن نگاه انسانی شود و شخصیت انسانی او در نظر گرفته شود، نه جاذبه‌های ظاهری و جنسی او. علاوه بر این، اگر حجاب از طرف همه رعایت‌شود و همه ملزم به رعایت آن باشند، دیگر این مسئله پیش نمی‌آید؛ چون عدم رعایت حجاب از سوی برخی، موجب تضییع حقوق کسانی می‌شود که حجاب را رعایت می‌کنند و موجب می‌شود فرصت‌های کمتری برای ازدواج در اختیار آنها قرار گیرد.

در مورد این اصطلاح چطور؟ شما هم اعتقاد دارید حجاب، حق زنان‌ست و حد مردان؟

ببینید حجاب یک بحث فقهی‌ست و جزء فروع دین‌ست. هر علمی هم برای خودش روش شناختن خاصی دارد. علم فقه هم همین‌طور. اگر بخواهیم در الفاظش وارد بشویم، باید از واژگان خودش استفاده کنیم. در فقه، ما دو بحث داریم: یک بحث حق و دیگری تکلیف. در بحث حق مشهورست: حق امری‌ست قابل اسقاط؛ یعنی قابل گذشتن. یعنی می‌توانم از آن بگذرم چون حق من‌ست و من هم از آن می‌گذرم و انتخابش نمی‌کنم. در حالی که حجاب این‌طور نیست.

حجاب حق نیست، تکلیف‌ست. قابل اسقاط هم نیست. نمی‌توانیم بگوییم از

عفت فقط به زن‌ها مربوط نمی‌شود. مردها هم به داشتن عفت تأکید شدند، اما تأکید بیشتر عفت برای زنان ناشی از حمایت بیشتر اسلام از زنان‌ست.

اصل حکم حجاب برای همین آمده‌ست که امر مشارکت و فعالیت اجتماعی برای زن را به ارمان آورد و این همان امتیازی است که به زن داده شده است.

حجابمان می‌گذریم. مگر اینکه در اینجا از حق منظور دیگری داشته باشند. شاید منظور از حق، به خاطر فعالیت‌های اجتماعی باشد. در مورد حد مردان نیز اگر منظور این باشد که حجاب حد و مرز ایجاد می‌کند، بله درست‌ست. اگر خانمی حجاب داشته باشد، محدوده‌ی رابطه‌اش با جنس مخالفش را مشخص کرده‌ست. حدی می‌شود که مردها او را با نگاه جنسیتی دنبال نکنند..

آیا اعتقاد دارید که از دامن مرد هم، زن به معراج می‌رود؟

البته این که حضرت امام فرموده‌اند از دامن زن، مرد به معراج می‌رود، چون موضوع بحثشان در مورد جایگاه و اهمیت نقش زن در خانواده و تربیت خانوادگی بوده، این طور فرموده‌اند و این منافاتی ندارد با این که مردان و پدران هم نقش مهمی در تربیت دختران دارند و نوع برخورد و تعامل آنها با دختران، نقش تعیین‌کننده‌ای در بروز رفتارهای آنان در اجتماع دارد. اگر منظور از این گفته، این است که در عرصه اجتماع و رعایت بحث عفاف، هم مردان مسئول‌اند و هم زنان، قطعاً چنین است و تأکید بر بحث عفاف در مورد زنان به این معنا نیست که مردان موظف به رعایت آن نیستند و به خاطر همین در سوره نور نیز ابتدا مردان به کنترل و حفظ نگاه امر می‌شوند و سپس زنان به حفظ و کنترل نگاه و حدود و پوشش.

